



در گفت‌وگوی «شرق» با عبدالمحمد طاهری، مشاور سیاسی محمد حنیف اتمر، وزیر سابق امور خارجه افغانستان مطرح شد

داعش، بازوی حذف طالبان

احتمال نفوذ موساد در کنار مرزهای شرقی ایران ذیل تداوم حکومت طالبان



عبدالرحمن فتح‌اللهی، مشاور سابق محمد حنیف اتمر، وزیر امور خارجه افغانستان، در جریان دیدار با رهبران طالبان در کابل، ۲۰۱۱

عبدالرحمن فتح‌اللهی، مشاور سابق محمد حنیف اتمر، وزیر امور خارجه افغانستان، در جریان دیدار با رهبران طالبان در کابل، ۲۰۱۱

عبدالرحمن فتح‌اللهی؛ حال و روز مردم افغانستان از زمان سقوط کابل، قدرت‌گیری طالبان و احیای حکومت دوم این جریان به مراتب بدتر از گذشته شده است. علاوه بر کرسنکی، فقر و بیماری این روزها که شاهد سلسله عملیات‌های تروریستی در کابل و دیگر شهرهای افغانستان هستیم که نشان می‌دهد طالبان حتی توانایی اداره امنیت این کشور را ندارد. این در حالی است که برخی بر این باور بودند که اگر طالبان بتواند حکومت را در دست بگیرد، حداقل در برقراری امنیت نسبت به دولت قبلی موفق‌تر عمل خواهد کرد. بیرو این نکته تداوم و تشدید فضای ناامنی فعلی در افغانستان بی‌شک متوجه همسایگان این کشور و کل منطقه خواهد بود.

در این بین احتمال سرریز ن‌آمنی‌ها به مرزهای شرقی ایران بیش از سایر همسایگان است. این مسئله نگرانی‌های بسیاری را در محافل سیاسی، رسانه‌ای و کارشناسی داخلی به دنبال داشته است؛ به‌ویژه آنکه در چند روز اخیر شاهد اختلافات و تنش‌های مرزی بین ایران و حکومت طالبان بوده‌ایم. این در حالی است که اخباری هم دال بر پذیرش نماینده‌ای از حکومت طالبان در سطح دبیر سوم به گوش می‌رسد که می‌تواند به معنای آغاز پذیرش رسمی امارت اسلامی افغانستان باشد. حال در چنین فضای پیچیده و متناقض امنیتی و دیپلماتیک بین طالبان و تهران، سؤال مهمی که به ذهن متبادر می‌شود، ناظر بر آینده این روابط است. از این‌رو «شرق» سراغ دکتر عبدالمحمد طاهری رفته تا در این زمینه ارزیابی او را جویا شود؛ فردی که اولین مستشار و رایزن فرهنگی وزارت امور خارجه ایران در وزارت معارف افغانستان بوده و در کارنامه دیپلماتیک او، علاوه بر کارداری ایران، سابقه مشاور سیاسی برخی چهره‌های افغانستان نظیر محمد حنیف اتمر، وزیر امور خارجه سابق هم دیده می‌شود.

- ۲۵۹ روز از سقوط کابل، قدرت‌گیری طالبان و تشکیل حکومت دوم این جریان گذشت و با توجه به سلسله انفجارهای چند روز اخیر، شرایط مردم افغانستان در همه ابعاد و سطوح بسیار نگران‌کننده‌تر از قبل شده است. با این حال در این مدت برخی چهره‌های طالبان و تهران، نمایندگان مجلس یازدهم، جریان‌های رسانه‌ای و حتی صداوسیما از ۱۵ آگوست ۲۱/۲۰۲۴ مرداد ۱۴۰۰ و قبل‌تر از آن هم حمایت سیاسی، رسانه‌ای و دیپلماتیک جدی از طالبان را در دستور کار داشته و کماکان دارند. حال حضرت‌عالی به‌عنوان اولین مستشار و رایزن فرهنگی وزارت امور خارجه ایران در وزارت معارف افغانستان که تجربه زیست در جامعه این کشور و طالبان را برای سال‌های متمادی داشته‌اید، چه ارزیابی‌ای از شرایط کنونی افغانستان دارید؟ آیا نگاه حمایتی و تطهیرکننده داخلی در ایران از طالبان را منطقی و نزدیک به واقعیت می‌دانید؟
- خبر به‌هیچ‌وجه؛ چراکه اساس و بنیان تحلیل من تجربیات شخصی است که در سایه سال‌ها حضور در افغانستان به دست آوردم. نگاه سیاسی حزبی برخی از افراد و جریانات در داخل برای من ملاک نیست، سنگ محک من نگاه انسان‌گرایانه است. نه اینکه به اهداف و مواضع سیاسی برخی از این آقایان در حمایت و تطهیر از طالبان اشراف نداشته باشیم، کاملا به آنها واقف هستیم؛ اما من هیچ‌گاه نگاه انسان‌گرایانه و واقعیت‌ها را فدای برخی منافع غیرواقعی نمی‌کنم؛ واقعیت‌هایی که با کوشش و تلاش خود در سایه سال‌ها حضور در افغانستان بعینه دیده‌ام. چون اگر مبنای تحلیل را بر اساس منافع حزبی و سیاسی پیش ببریم، قطعا واقعبات وارونه جلوه داده می‌شود و تصویری از واقعیت به مخاطب عرضه می‌شود، نه خود واقعیت. من در جایگاه فردی با نگاه انسان‌گرایانه در پاسخ به سؤال شما سعی می‌کنم واقعیت‌هایی را مطرح کنم که با چشم خود نظاره به کوشش و طالبانی که نیروهایش به راحتی شرط‌بندی می‌کردند که آیا می‌توانند یک پسربرچه را در حین دوچرخه‌سواری با اسلحه مورد هدف قرار بدهند یا یک زن را در ورزشگاه کابل به دلیل صحبت‌کردن با یک نامحرم اعدام کردند، بیش از هشت ماه است که حکومت دوم خود را در افغانستان تشکیل داده است. عملکرد این به‌اصطلاح امارت اسلامی افغانستان، در این مدت در همه ابعاد و سطوح زندگی از مسائل اقتصادی و معیشتی گرفته تا آزادی رسانه‌ای، حقوق بانوان، سیاست، مسائل فرهنگی و اجتماعی، آموزش و پرورش و حتی امنیت، به قدری فاجعه‌بار

اتفاقا این اقدام جزء معدود اقداماتی است که من آن را مثبت ارزیابی می‌کنم.

- به چه دلیل؟

چون تمام اقدامات مخرب حکومت طالبان علیه ایران در افغانستان می‌تواند با واکنش و اعتراض رسمی تهران به نماینده این جریان منتقل شود. ببینید ما با یک کشور و سیستم مدرن دولتی، چه در قالب «Government» و چه در قالب «State» مواجه نیستیم. ما با یک حکومت قومی، عشیره‌ای و دینی به نام طالبان طرفیم که قدرت را در افغانستان قبضه کرده است. ضمن اینکه درون این حکومت، طیف گسترده و متنوعی از جریان‌های دیگر وجود دارد که با هم بر سر مسائل مختلف داخلی و خارجی اختلاف نظر دارند. پس اگر اتفاقی، اقدامی و موضعی علیه جمهوری اسلامی ایران توسط طالبان اتخاذ شود، تهران نمی‌تواند یقه کسی را بگیرد. اما زمانی که نماینده‌ای از طالبان در تهران حضور پیدا کند، می‌توان مراتب اعتراض خود را به طالبان منتقل کرد و این مسئله به معنای پذیرش حکومت طالبانی نخواهد بود.

- با توجه به نکات قبلی‌تان پیش‌شرط به رسمیت شناختن طالبان از سوی تهران و جامعه، به تشکیل دولت فراگیر منجر نمی‌شود؟

من قبلاً تر هم گفتم، وقتی طالبان مشروعیتی برای انتخابات قائل نیست، اساسا تشکیل «دولت» معنا ندارد. اینجا مسئله حکومتی عشیره‌ای و دینی است، نه دولت. بنابراین با در نظر داشتن این نکته، یا به دلایلی تهران همچنان خواهان حمایت از طالبان است و ما به آن اشراف نداریم یا اینکه تهران اساسا شناختی از این جریان ندارد که دومی عذر بدتر از گناه است. ببینید طالبان یک جریان تروریست رادیکال است که بنا بر خوی و مشی خود، نگاهی تمامیت‌خواهانه به قدرت دارد. پس طبیعی است که بخواهد قدرت را به‌صورت یکجا در اختیار بگیرد. اگر از این به بعد در داخل کشور فردی، رسانه‌ای، جریانی یا گروهی بخواهد کماکان حمایت از طالبان را ادامه دهد، مطمئن باشید دیگر نمی‌تواند روی توجیه و پارامتر تغییر طالبان نسبت به ۲۰ سال پیش مانور دهد؛ چون قطعا فهرست وزرای حکومتشان نشان داد که طالبان اگر بدتر از دو دهه پیش نباشد، بهتر نشده است.

- شما سال‌ها سابقه مشاوره مستقیم محمد حنیف اتمر، وزیر امور خارجه دولت اشرف غنی را در کارنامه دارید و از نزدیک با نگاه و بینش سیاسی و دیپلماتیک وی آشنایی داشته‌اید؛ کمالاً اینکه حامد کرزوری را هم از نزدیک می‌شناسید. با این شناخت آیا اکنون چهره‌های سیاسی افغانستان از بازماندگان دولت سابق (دولت گلبدین غنی) مانند عبدالله عبداللّه گرفته تا حامد کرزی و حتی گلبدین حکمتیار توان مدیریت طالبان و تعدیل مواضع این جریان را ندارند؟ اگرچه افراد مذکور پیش‌تر با اقداماتی نظیر تشکیل شورایی سنفره به دنبال تعامل با طالبان بوده‌اند.

در یک بستر واقع‌بینانه، من به تاثیرگذاری این افراد و حتی شورایی متشکل از آنها چندان خوش‌بین نیستم؛ چون اگرچه این افراد با نگاهی مصلحانه وارد تحولات افغانستان شده‌اند، اما به دلیل آنکه دایره نفوذ و تاثیرگذاری این افراد و بُردار سیاسی آنان در صحنه تحولات این کشور، به‌خصوص کابل کم‌رنگ شده است، قادر به مدیریت اوضاع و تعدیل مواضع طالبان نخواهند بود. این افراد خیلی هنر کنند مواظب جان خود باشند.

حتی حکمتیار!؟

حتی حکمتیار.

چرا؟

چون گلبدین حکمتیار اگرچه از بدنه طالبان بوده است اما نهاییتا به دولت‌مردان و سیستم کابل پیوست، بنابراین طالبان نگاه گذشته را به وی ندارد. در سایه این نکته اگر به هر دلیلی طالبان، حکمتیار را گزینه‌ای همگن و همسو با سیاست‌ها و برنامه‌هایش تصور نکنند، دیگر دلیلی برای حذف‌نکردن او ندارد.
بسی بر این باورید که سنناریوی حذف این افراد از سوی طالبان وجود دارد؟

اکنون که شاهد تشکیل حکومت تماما طالبانی هستیم، قطعا بستر وقوعش بیشتر از گذشته شده است. این نکته محدود به کرزی، عبدالله، حکمتیار و… نمی‌شود. به هر میزان که از عمر حکومت‌طالبان بگذرد، فضای لازم برای حذف فیزیکی تمام سیاسیون و نجیبگان افغانی شکل خواهد گرفت. یقین داشته باشید با شکل‌گیری حکومت طالبانی از این به بعد هر سیاست‌مداری که اکنون در افغانستان مانده است، باید بیم جان خود را داشته باشد. البته این مهم در چند روز، چند هفته یا حتی چند ماه آینده روی نمی‌دهد؛ یعنی بعید است به این زودی‌ها این افراد توسط طالبان محاکمه و اعدام شوند. هرچند احتمال آن هم کم نیست اما به دلیل شرایط نابسامان فعلی دست طالبان برای این مهم بسته است. با این وجود حتی اگر در کوتاه‌مدت اتفاقی برای آنان روی ندهد و محاکمه و اعدام نشوند، یقین بدانید در میان‌مدت و طولانی‌مدت که طالبان سیطره بیشتری بر افغانستان پیدا کند و به قول خودش امارت اسلامی‌اش را با این‌سب وزرایش بی‌بگیرد، آن زمان تک‌تک این سیاست‌مداران یا محاکمه و اعدام خواهند شد یا در یک حادثه تروریستی و بدون مسئولیت‌پذیری طالبان از صحنه تحولات افغانستان حذف می‌شوند؛ به‌خصوص سیاست‌مدارانی که از عقبه مردمی و حمایت درخور توجهی برخوردارند. به هر حال باید در نظر گرفت که بعد از تحولات و انفجارهای تروریستی فرودگاه کابل در بحبوحه فرار آمریکایی‌ها در همام‌فراد

سال گذشته تا به اکنون با پررنگ شدن نقش داعش در افغانستان اکنون دست طالبان برای حذف بازتر شده است؛ چون می‌تواند عملیات‌های تروریستی خود را به این جریان (داعش) محول کند که در این صورت کار طالبان بسیار ساده خواهد شد؛ چراکه عملا داعش افغانستان می‌تواند به‌عنوان بازوی عملیاتی و امنیتی طالبان، ماموریت حذف تک‌تک مخالفان سیاسی و حتی اجتماعی و مدنی افغانستان را که سر ناسازگاری با حکومت طالبان را دارند، انجام دهد

بدون آنکه مسئولیت و تبعاتی برای طالبان داشته باشد.

- در راستای گزاره تحلیلی پایانی شما، این سناریوی محتمل هم وجود دارد که انفجارهای تروریستی در افغانستان بعد از روی کار آمدن حکومت دوم طالبان اساسا یک برنامه‌ریزی از طرف خود این جریان با هدف حذف، پاک‌سازی یا مرعوب‌سازی دیگر اقوام و مذاهب ضد پشتون و ضد طالبان است که به نام جریان‌های رادیکال‌تری مانند داعش اجرا می‌شود، بدون آنکه مسئولیتی به‌صورت مستقیم متوجه طالبان باشد. این سناریو را تا چه اندازه نزدیک به واقعیت می‌دانید؟

در کمال تأسف اقتضانات سیاسی و امنیتی در افغانستان به شکل بسیار جدی و پرت‌رنگی این سناریو را تأیید می‌کند؛ یعنی طالبان یا به هدف پاک‌سازی کامل برخی اقوام و مذاهب مانند هزاره‌ها یا حتی اهل سنت با گرایش‌های صوفی مسلک و اساسا هر جریان مخالف با خود یا با هدف مرعوب‌سازی کل جامعه افغانستان، این سلسله عملیات‌های تروریستی را بی‌خواهد گرفت. در این بین دو نکته بسیار مهم وجود دارد؛ اول اینکه پیرو سؤال شما قطعا طالبانی که قدرت را در دست گرفته است، دیگر نمی‌تواند به شکل مستقیم عملیات انتحاری انجام دهد؛ بنابراین بهترین و ایدهال‌ترین فضا، انجام عملیات‌های تروریستی توسط گروه‌هایی مانند داعش با مدیریت خود طالبان است. دوم آنکه نباید فراموش کرد به هر میزان فضای امنیتی افغانستان به‌دلیل تداوم و تشدید عملیات‌های تروریستی و انفجار در کوچه‌ها، خیابان‌ها و مساجد این کشور ادامه پیدا کند، بهترین شرایط برای ادامه حیات حکومت طالبان وجود دارد.

- چطور؟**

طالبان به بهانه مدیریت شرایط امنیتی کنونی در افغانستان می‌تواند در هر زمان که بخواهد تحقق پیش‌شرط جمهوری اسلامی ایران و در کل جامعه جهانی مبنی بر تشکیل حکومتی فراگیر را به تعویق بیندازد؛ بنابراین طالبان تا هر زمانی که بخواهد می‌تواند این حکومت موقت را ادامه دهد یا اصطلاحا کش بدهد؛ چون کافی است طالبان وضعیت بحرانی افغانستان، چه از نظر اقتصادی، چه از نظر امنیتی، اجتماعی، سیاسی و… را بهانه کند تا ذیل ادعای مدیریت این وضعیت بحرانی، حیات این حکومت موقت را مرتب تمدید کند. در عین حال طالبان به بهانه همین شرایط حساس امنیتی می‌تواند اهرم فشاری برای پذیرش دیپلماتیک حکومت خود ایجاد کند. البته من اکراه دارم که واژه کابینه یا دولت را برای این حکومت و سیستم طالبانی به کار ببرم، بنابراین همان حکومت طالبانی را استفاده خواهم کرد. ضمن اینکه طالبان اکنون نعل وارونه زده است؛ چون ادعای موقتی‌بودن کابینه این حکومت در تقابل با فهرست اعضایش دلیل دیگری بر دروغ‌گویی جریان تروریست طالبان است؛ چراکه در منطبق سیاسی، حکومت موقت در شرایط گذار و بحران ناشی از انقلاب، کودتا و نظایر آن بیشتر ناظر بر حکومتی است که با حضور بیشتر احزاب و جریان‌ها شکل بگیرد تا دوره گذار و بحران مدیریت شود، نه اینکه در دوره بحران یک گروه، حزب و جریان بخواهد همه قدرت را یکجا تصاحب کند تا به بحران دامن بزنند.

- حال این تزویر طالبان تا چه زمان می‌تواند برایشان کارساز باشد؟ به هر حال این دروغ طالبان تاریخ انقضای خواهد داشت؟**

اولا به‌صراحت عنوان می‌کنم که حکومت مدنظر طالبان تشکیل شد و طالب‌ها دیگر بنایی هم برای تغییر این حکومت ندارند. دوما لازم برای مانور سیاسی و دیپلماتیک طالبان روی موقتی‌بودن حکومتشان فقط برای خود آنها تاریخ انقضا دارد، نه برای مخالفان و منتقدان طالبان.

- قبل از ورود به حوزه تخصصی شما در افغانستان قدری روی تبعات مخرب و البته مستقیم ناشی از تداوم و تشدید ناامنی کنونی افغانستان در سایه حکومت دوم طالبان تمرکز کنیم. از نگاه شما این تبعات چگونه خواهد بود؟ به‌ویژه که در چند روز اخیر شاهد وقوع برخی تنش‌های مرزی بوده‌ایم. در کنار آن اخباری هم دال بر تلاش دولت طالبان برای عدم فعال‌سازی میل‌های مرزی در مرز دو کشور هم مطرح است؟**

با توجه به مجموعه تحولاتی که در چند روز گذشته در مرزهای شرق کشور روی داده است و با درنظرگرفتن نگاه من به آینده، شرایط کنونی را نمی‌توان تبعات امنیتی حکومت طالبان نام نهاد. مسئله جدی‌تر و فراتر از این حرف‌هاست. باید اسمش را «تهدیدات مستقیم و غیرمستقیم» امنیتی برای جمهوری اسلامی ایران گذاشت؛ تهدیدات مستقیم ناشی از احیای گروه‌های تروریستی و جولان داعش به‌خصوص داعش خراسان در خاک افغانستان با تقویت حکومت طالبان است که بی‌شک سیبل تحرات کن این گروه‌ها تقابل با جمهوری اسلامی ایران است؛ کم‌اینکه از نام جریان تروریستی داعش خراسان بیادست که مرکز حکومت آرمانی آنها کجاست. دیگر جریان‌های تروریستی و تندرو مانند جریان حقانی که اکنون در بدنه حکومت طالبان قرار دارند و نیز القاعده و… را نباید فراموش کرد. نکته بسیار مهم‌تری که باید به آن اشاره کرد، مسئله نفوذ امنیتی آمریکا و به طریق اولی اسرائیل است. شرایط کنونی در افغانستان اگر تداوم پیدا کند، بهترین فضا برای جولان موساد خواهد بود. یعنی اسرائیل علاوه بر امارات متحده عربی، بحرین، اقلیم کردستان عراق، ترکیه، جمهوری آذربایجان و قریه‌باغ اکنون با روی کار آمدن حکومت طالبان می‌تواند با پرورش جاسوس حرفه‌ای و نفوذ در گروه‌های تروریستی در افغانستان، هم به رصد اطلاعاتی در کنار مرزهای شرقی ایران

دست بزند و هم تحریک برخی جریان‌های تروریستی برای ایجاد ناامنی در شرق ایران را در دستور کار قرار دهد.

- روی تخصص اصلی شما یعنی آموزش و پرورش تمرکز کنیم، خصوصا که به نظر می‌رسد یکی از مهم‌ترین نگرانی‌های فعلی جامعه افغانستان در سایه بازگشت طالبان، نابودی نظام آموزش و پرورش باشد. در این کشور است. اقدام طالبان در عدم ورود دختران به مدارس و… این نگرانی‌ها را بیشتر هم کرده است. به هر حال شما در تحول نظام آموزش و پرورش افغانستان پس از سقوط طالبان سال‌ها نقشی مؤثر و جدی داشته‌اید. آیا ذیل این‌سب نگرانی‌ها به واقع باید شاهد حذف تدریجی دختران از نظام آموزش و پرورش و در عین حال نظام آموزش عالی و دانشگاه‌ها در این کشور باشیم؟**

من پاسخ به این سؤال شما را در دو بُعد یا در دو محور می‌دهم؛ اول اینکه قطعا به موازات تسلط بیشتر طالبان و تثبیت قدرت این گروه بر افغانستان، به‌تدریج شاهد حذف کامل دختران و زنان از نظام آموزش و پرورش و همچنین نظام آموزش عالی در این کشور خواهیم بود، چراکه به باور طالبان، اسلام مخالف تحصیل دختران است. نکته مهم‌تر آن است که شک نداشته باشید هم نظام آموزش و پرورش و هم نظام آموزش عالی فعلی افغانستان با قدرت‌گیری هرچه بیشتر طالبان از بین خواهد رفت؛ به‌ویژه آنکه طالبان برای جریان آموزش و پرورش هیچ برنامه‌ای که متناسب با دنیای تعلیم و تربیت نوین و مدرن امروز باشد، ندارد. نظام آموزش و پروش و آموزش عالی مدرنی که در آن کامپیوتر، لپ‌تاپ، اینترنت، تبلت، آموزشگاه‌های زبان و آزمایشگاه‌های شیمی، فیزیک، ریاضی، تیم‌های رباتیک، نجوم و… استفاده شود، برای طالبان غیرقابل قبول است. در ذهن طالبان نظام آموزش و پرورش ایده‌نال برای افغانستان احیای نظام «مکتب‌خانه‌ای» است. شما به درستی اشاره کردید رشته تحصیلی من در حوزه آموزش و پرورش است و سال‌ها در افغانستان برای ایجاد تحول نظام آموزش و پرورش این کشور در سایه ماموریت دیپلماتیک مستشاری فرهنگی‌ام تلاش کردم. پس زمانی که می‌گویم طالبان به دنبال ایجاد نظام مکتب‌خانه‌ای در ساختار آموزش و پرورش افغانستان است، با اشراف و آگاهی کامل میدانی در سایه سال‌ها حضور در افغانستان عرض می‌کنم. به واقع طالبان به دنبال جامعه تعلیم و تربیتی است که در آن با تزریق باورهای مذهبی مبتنی بر ایدئولوژی خود به کودکان، نوجوانان و جوانان در افغانستان، نیروهای نظامی و سیاسی آینده خود را شکل دهد؛ چنان که از دل همین نظام مکتب‌خانه‌ای طالبانی در گذشته مدرسه حقانی و ملاعمرها شکل گرفته است. اینجا (طالبان) به دنبال آن هستند که با درس خواندن روی زمین، تفکرات سنتی را دوباره احیا کنند. صضافا اینکه متأسفانه در این سال‌ها تکنوکرات‌ها و بوروکرات‌های نظام آموزش و پرورش افغانستان هم صرفا به دنبال افزایش شاخص‌های کمی و نه کیفی تعلیم و تربیت در این کشور بودند. در کنار آن به دلیل فساد گسترده در دولت‌های پیش از حکومت دوم طالبان، نه وزارت آموزش و پرورش و نه وزارت فرهنگ و علوم افغانستان نتوانستند به درستی جامعه آموزشی این کشور را متحول کنند. در همین رابطه بیشتر بوجه‌های کشورهای منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای، سازمان‌ها و نهادهای بین‌المللی برای گسترش و تعمیق نظام آموزش و پرورش و آموزش عالی مدرن در افغانستان توسط همین سیستم فاسد چیاول شد که نتیجه آن اقدامات اشتباه، زد‌های، خیانت‌ها، فسادها، کم‌کاری‌ها و بدسلیقگی‌ها امروز اهمیت خود را نشان می‌دهند.

- با این اوصاف شما تمام دستاوردهای خود برای ایجاد تحول در نظام آموزش و پرورش افغانستان را با بازگشت طالبان به صحنه سیاسی این کشور برپادرفته می‌دانید؟**

اگر این طالبان همان طالبان دو دهه پیش باشد که هست و به نظر من بدتر و خشن‌تر از گذشته خواهد بود و این را در گذر زمان خواهیم دید و اگر طالبان همان تفکرات قبلی خود را به شکل جدی‌تری در سیستم آموزش و پرورش و آموزش عالی افغانستان تزریق کند که بی‌شک این کار را هم می‌کند، متأسفانه من، نه تلاش و کوشش خود، بلکه تمام تلاش‌های جمهوری اسلامی ایران برای ایجاد تحول در نظام آموزش و پرورش افغانستان را برپادرفته می‌بینم؛ چون تأکید بر تلاش‌ها و دستاوردهای خودم در افغانستان ندارم. به هر حال من هم در سایه ماموریت مستشاری تلاشی برای ایجاد تحول در نظام آموزش و پرورش افغانستان پس از سقوط طالبان داشتم، اما نکته مهم‌تر این است که با بازگشت طالبان، تلاش‌های عمرانی، سازمانی، نیروی انسانی و تمام هزینه‌های لجستیک جمهوری اسلامی ایران در قبال تحول نظام آموزش و پرورش افغانستان اکنون بر باد رفته است؛ بنابراین بیشترین ضرر نابودی نظام آموزش و پرورش افغانستان در مرحله اول متوجه خود افغان‌ها و بعدا جمهوری اسلامی ایران خواهد بود. به هر حال جمهوری اسلامی ایران، هم در حوزه اقتصادی، هم در حوزه اجتماعی، هم در حوزه فرهنگی و مهم‌تر از آن حوزه نیروی انسانی، خدمات و هزینه‌های زیادی برای ایجاد تحول در نظام آموزش و پرورش افغانستان صرف کرده؛ تا جایی که ایران حتی در مرکز ذیل پشتون‌های افغانستان یعنی قندهار هم به دنبال یک سیستم آموزش و پرورش جدید بود. من خودم بشخصه هر دو هفته یک بار با سازمان‌دهی معلمان نهضت سوادآموزی جمهوری اسلامی ایران طی سال‌های مدید سعی کردم پایه‌های نظامی آموزش و پرورش جدید را در افغانستان بنا نهم.

(آگهی رای قابل پژوهش) رای شماره ۱۵۸/۵/دب

آقای علی‌ضار فرج نژاد گل تپه

نماینده اداره ثبت اسناد و املاک منطقه زیبادشت

نظر به اینکه هیات دوم رسیدگی به تخلفات اداری کارمندان سازمان ثبت اسناد و املاک کشور در تاریخ ۱۴۰۰/۱۰/۵ با حضور سه نفر از اعضاء تشکیل و به اتهام آقای علی‌ضار فرج نژاد گل تپه نماینده اداره ثبت اسناد و املاک منطقه زیبادشت مبنی بر غیبت از تاریخ ۱۴۰۰/۳/۱ رسیدگی گردید با توجه به عدم دسترسی به نامبرده که در تاریخ ۱۴۰۰/۹/۳ در روزنامه کثیرالانتشار (تماشگران) به صورت قانونی آگهی گردیده ، مبادرت به صدور رای قابل پژوهش به مجازات اخراج از دستگاه متبوع را نموده است . این رای قابل تجدیدنظر می باشد نامبرده می تواند درخواست تجدید نظر خود را حد اکثر ظرف سی روز از تاریخ انتشار آگهی به نشانی خیابان شریعتی تقاطع خیابان مطهری نبش کوچه ساری اداره کل ثبت اسناد و املاک استان تهران تسلیم نماید در غیر این صورت رای قطعی می گردد .

رئیس هیات دوم بدوی رسیدگی به تخلفات اداری سازمان ثبت اسناد و املاک کشور

م الف ۴۱۳

شناسه آگهی ۹۵۵۹۰۱۳۵